

جُستاری در دیدگاه‌های رادویانی و ارتباط ترجمان البلاغه با محاسن الکلام

* رضا قاسمی

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۱۲

** امیرحسین همتی

تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۲۸

*** اصغر رضاپوریان

چکیده

ملت‌های اهل ادب در پی ارتباطات فکری و فرهنگی ناگزیر از تأثیر و تأثرند. یکی از جلوه‌های تأثیرپذیری در گستره فرهنگ اسلامی، بی‌گمان در حوزه بلاغت نمایان است. نظریه بینامتنیت درباره روابط و تأثیر و تأثرات متون از یکدیگر بحث می‌کند؛ بر اساس این نظریه، هیچ متنی متکی به خود نبوده و به نحوی با متون پیش از خود ارتباط دارد. کتاب «ترجمان البلاغه» یکی از آثار برجسته بلاغت زبان فارسی است که طبق شواهد موجود، به عنوان اولین اثر بلاغی مطرح شده و تا به امروز باقی مانده است. این اثر ارزشمند جایگاه ویژه‌ای در بلاغت فارسی دارد و اغلب کتب بلاغی نیز متأثر از این کتاب شده‌اند. هرچند مؤلف در نگارش «ترجمان البلاغه»، صاحب‌نظر و نوآور است، اما این کتاب از حیث نامگذاری و غالب تعاریف ترجمه‌ای از کتاب «محاسن الکلام» است. روش پژوهش رادویانی در کتاب خود، دقیق‌تر از منبع اصلی‌اش بوده و فهرستی از آرایه‌ها را در ابتدای کتاب ارائه داده است. تعداد آرایه‌های آن بیش از تعداد آن‌ها در «محاسن الکلام» است. رادویانی در ترجمه کتاب سعی کرده است روح زبان فارسی را در آن بدمد.

کلیدواژگان: ترجمان البلاغه، محاسن الکلام، بینامتنیت، بلاغت، رادویانی.

* دانشجوی دکترا، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

Ghasemi.reza52@yahoo.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

Hemati Amir80@yahoo.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

نویسنده مسئول: امیرحسین همتی

مقدمه

هرچند در قرن پنجم هجری *عبدالقاهر جرجانی* (متوفی ۴۷۱ق) با تألیف دو اثر ارزشمند «اسرار البلاغه» در علم بیان و «دلائل الاعجاز» در علم معانی به نحو استادانه‌ای بنای رفیع بلاغت عربی را به اتمام رساند. در زبان فارسی نیز اولین اثر مدون موجود که مستقلاً از علوم بلاغی بحث می‌کند «ترجمان البلاغه» است که در قرن پنجم، به همت *محمد بن عمر الرادویانی* نگارش یافته است. بنا به گفته *رادویانی*، «در آن روزگار کتابی در فنّ بلاغت به زبان فارسی وجود نداشت که آزاده را مونس باشد. و فرزانه را غمگسار و مُحدّت بود» (رادویانی، ۱۳۶۲: ۲). به همین خاطر تصمیم گرفت با فروتنی و شکسته‌نفسی خاصی به نگارش کتاب «ترجمان البلاغه» همت گمارد. «گفتم: مگر این عمل بر دست هنرمندی برآید تا چون منی اندر صناعت خدمتی بیش‌تر تا کرده، استادان را به صنف مُصنّفان ایستاده نیاید، لیکن انتظار را کرانه ندیدم» (همان: ۲).

در حوزه بلاغت، کتاب «محاسن الکلام» را حلقه رابطه‌ای بین بلاغت زبان عربی و زبان فارسی می‌دانند. این کتاب نوشته *نصر بن الحسن المرغینانی* است. *مرغینانی* از بلاغت‌نویسان فارس بود که کتاب را به زبان عربی تألیف نمود و چنانکه *رادویانی* تصریح نموده، جزء مهم‌ترین منابع کتاب «ترجمان البلاغه» بوده است. در مورد نویسنده، اطلاعات زیادی در دست نیست و چنانکه *محمد فشارکی* در مقدمه کتاب گفته، ذکر او در «دمیة القصر» *باخزری* وارد شده و *باخزری* قوّت ادبی او را در نظم و نثر ستوده است. مصحح کتاب «محاسن الکلام»، آن را از روی نسخه تصویری که *مرحوم محمدجواد شریعت* به او داده بود، در فرهنگسرای اصفهان به چاپ رساند (رک *محمدی‌نژاد*، ۱۳۹۳: ۵۶).

پیشینه تحقیق

مطالعات تطبیقی درباره دو کتاب یادشده در حد یک مقاله است. صادقی و نقابی (۱۳۹۶) به بررسی تطبیقی «ترجمان البلاغه» و «محاسن الکلام» پرداخته‌اند. در این مقاله به بررسی ساختار «ترجمان البلاغه»، چگونگی تنظیم صنایع آن، شیوه الگوبرداری آن از «محاسن الکلام» و جنبه‌های مشترک و متمایز آن دو پرداخته شده است. هدف از

این مطالعه، فهرست بندی صنایع طبق منبع اصلی آن، برای بیان تغییرات و افزونی‌های صنایع بود. یافته‌ها نشان داد که رادویانی ضمن تأثیرپذیری مستقیم از «محاسن الکلام»، صنایعی را افزوده و نیز شاخه بندی کرده است که در «محاسن الکلام» نیست، به طوری که بلاغیون پس از او اثر او را الگوی تدوین آثار خود قرار داده‌اند. از ابداعات رادویانی، آوردن اشعار فارسی با تلاش شخصی خویش است، که گنجینه‌ای از نام‌ها و اشعار ایرانی است. رادویانی، در عین اقتباس از کتاب «محاسن الکلام»، در «ترجمان البلاغه» شیوه‌ای نو برگزیده است و اثرش در عین سادگی و روانی، شکل فارسی مطلوبی به خود گرفته است.

معرفی ترجمان البلاغه

صاحب «ترجمان البلاغه» کتاب را در اجناس بلاغت و اقسام صناعت نوشت و به ترجمه فنون بلاغت از تازی به فارسی همت گماشت و برای هر فصلی مصداق‌هایی به عنوان شاهد مثال از استادان سخن پارسی ارائه نمود و مجموعه‌ای گرانبها از شعر شاعران متقدم به یادگار گذاشت. نویسنده در این زمینه می‌گوید: «اندر دانستن اجناس بلاغت و اقسام صناعت و شناختن سخنان با پیرایه و معانی بلندپایه، کتابی ندیدم به پارسی. گفتم کی بدان قدر کی مرا فراز آید از این علم بدین کتاب جمع کنم و به تصنیف شافی بیاریم و اجناس بلاغت را از تازی به پارسی آرم، و مثال هر فصلی علی‌حده از گفتار استادان باز نمایم، تا ره‌نمای باشد هنر آزمای را و سخن پیمای را» (همان: ۲-۳).

آنگونه که از قرائن و شواهد مشهود است «در قرن پنجم هجری، کتاب ترجمان البلاغه به قلم محمد بن عمر رادویانی در ۷۳ فصل در علم بدیع و بعضی مباحث بیانی مانند تشبیه و استعاره تألیف شده است. نویسنده ابتدا در آغاز هر فصل یک صنعت ادبی را نام برده؛ سپس درباره آن توضیح داده و در آخر، ابیات متعددی از شاعران به همراه نام آنان ذکر کرده است. می‌توان گفت ترجمان البلاغه، قدیمی‌ترین کتاب موجود به زبان فارسی در علم بدیع است و نسخه‌ای از آن به تاریخ ۵۰۷ هجری موجود است» (اسفندیارپور، ۱۳۸۸: ۵۴ و ۵۵).

هرچند به دلیل تسلط کم مؤلف بر بلاغت، تعاریف ارائه شده برای بیش تر فنون بلاغی ناقص است و در نقل برخی از شواهد چندان دقت نظر نداشته است، اما در هر صورت می توان «ترجمان البلاغه» را به عنوان اولین اثر بلاغی زبان فارسی دانست که هم پایه «البدیع» در بلاغت عربی شهرت یافته است، زیرا اولین اثری است که به طور مستقل از بلاغت سخن می گوید و به قول محمد علوی مقدم «چه خوب بود که نام آن را ترجمان البلاغة فی الشعر می گذاشت» (علوی مقدم، ۱۳۵۷: ۶۰۷)، زیرا اغلب شواهد و امثله آن به نظم است.

ساختار کتاب «ترجمان البلاغه» به گونه ای است که ابتدا مقدمه ای در دو صفحه آمده و مصنف در آن به ذکر انگیزه، هدف، روش و نوع نگاهش به مسائل ادبی عصر خود می پردازد. در ادامه، نمایه فصل های کتاب شامل هفتاد و دو فصل قرار دارد که از فصل اول «فی التصریح» آغاز می گردد و به فصل هفتاد و سوم به «فی بیان الاسجاع» انجام می پذیرد. متن کتاب شامل ۱۳۸ صفحه است که در آن صنایع ادبی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. *رادویانی* با الهام از کتاب «محاسن الکلام مرغینانی» ابتدا نام صنعت را به عربی، سپس معنای لغوی آن را به فارسی ترجمه کرده است و در ادامه معنای اصطلاحی صنعت و در پایان آن مبحث، مثال هایی را در خصوص آن صنعت ذکر می نماید. این نکته حائز اهمیت است که در برخی از موارد بین نمایه مؤلف در آغازینه کتاب و آنچه در متن آمده، اختلاف وجود دارد، مثلاً فصل ۷۰ در نمایه «فی الابداع فی المعانی» ذکر شده، در صورتی که در متن، این عنوان وجود ندارد و از ردیف ۶۹ در نمایه مطالب به ۷۱ پرداخته است و نیز فصل ۴ در نمایه «فی التجنیس المركب» است. حال آنکه این فصل در متن نیامده و از فصل ۳ به فصل ۵ پرداخته و تجنیس مرکب که طبق نمایه مطالب، باید بین تجنیس مطلق و مردّد باشد، در متن موجود نیست و همچنین فصل ۶۸ در نمایه با عنوان «فی حسن الجواب» آمده، در صورتی که در متن فی حسن السؤال است که با تعریف این صنعت بیش تر سازگار است.

می توان گفت «ترجمان البلاغه علاوه بر اینکه اولین کتاب در زمینه علوم بلاغی فارسی است، اصیل ترین کتاب محققانه ای است که مؤلف در راه تألیف آن زحمت کشیده است. بنا به تقسیم بندی ملک الشعراى بهار، این کتاب از کتاب های دوره غزنوی و

سلجوقی اول است و اگرچه در دوره سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک و قابوس‌نامه عنصر المعالی نوشته شده است، به جهت داشتن اشعار متقدمان و اصرار رادویانی در فارسی نویسی و ترجمه‌های حرف به حرف کلمات عربی و جمله‌های شکسته بسته، که هدف نویسندگان را کاملاً واضح نمی‌کند، کهن‌تر از آنچه هست، نشان می‌دهد و اگر نشانه‌های تاریخی نبود، احتمال داشت کتاب به دوره سامانی نسبت داده شود» (شریعت، ۱۳۸۶: ۱۵۹ و ۱۵۸).

احمد آتش در ارج و اهمیت «ترجمان البلاغه» بر این باور است که «ترجمان البلاغه» کهن‌ترین و اصلی‌ترین کتاب ادبیات ایران در زمینه بلاغت است که به نثری فصیح و پاکیزه نگارش یافته است، و می‌توان نخستین رگه‌های معادل‌نویسی و ترجمه فصیح عربی به فارسی را در این اثر پیدا کرد که ظهور آن باعث شد بسیاری از اشعار مفقود و نایاب برخی شاعران به دست آید (رک رادویانی، ۱۳۶۲: مقدمه).

نخستین مأخذی که به معرفی «ترجمان البلاغه» رادویانی بدون ذکر نام مؤلف می‌پردازد، کتاب «حدائق السحر فی دقائق الشعر اثر ارزشمند رشید وطواط است. نامبرده مدعی است که آتسز، کتاب ترجمان البلاغه را به من نمود، کتابی که شواهد آن بس ناخوش و همه از راه تکلف نظم کرده و به طریق تعسف فراهم آورده است» (رک وطواط، ۱۳۶۲: ۱). در حوزه بلاغت فارسی، کتاب «ترجمان البلاغه» دو اهمیت برجسته دارد:

الف. نمایش سیر تحولات مسائل نقدی در آثار عربی و تجسم آن در یک گونه خاص (نقد بلاغی) که از طریق «محاسن الکلام» مرغینانی به «ترجمان البلاغه» راه می‌یابد.

ب. نهادینه‌سازی فرهنگ نقد شعر ایرانی بر مبنای بلاغت صرف و جهت‌دهی آثار مرتبط با نقد به این شیوه، چنانکه از پی «ترجمان البلاغه»، «حدائق السحر» و «المعجم»، همین راه را می‌رود و به جریان اصلی و عمومی نقد ادبی در ایران تبدیل می‌گردد (رک محبتی، ۱۳۸۴: ۵).

ارزش و جایگاه کتاب ترجمان البلاغه و دیدگاه‌های رادویانی

از بررسی و تحلیل کتاب «ترجمان البلاغه» در خصوص نویسندگان و جایگاه کتاب در ادب فارسی مستفاد گردید:

کتاب «ترجمان البلاغه» یک‌سری لغات و اصطلاحات قدیمی زبان فارسی را که بر قدمت زمان تألیف آن دلالت دارد، در خود جای داده است. دخایر لغوی چون دانشی، اومید، آخشیج، هنرجوی، ماننده کردن، شکوهیدن، دُمادُم، دورویه و همچنین کاربرد واژگانی نظیر پنجهپیر، بُستی، اندراب، هزل‌بُستی و... در این کتاب آن را از نظر تاریخی پراهمیت ساخته است.

کتاب «ترجمان البلاغه» از این نظر که اشعار قدیم شعرای معروف یا گمنام دوره سامانیان و غزنویان را که نام برخی از آنان در تذکره‌های دیگر نیامده، ذکر کرده است به عنوان یکی از آثار ارزشمند زبان فارسی که به تاریخ ادبیات این زبان مواد نفیس و جدیدی را وارد می‌کند، حائز اهمیت است. شعرایی مانند *ابوالحسن آغاجی، احمد منشوری، میرعلی پورتگین، حسین ایلاقی، ابوطاهر خسروانی، ابوطیب مصعبی، ابوالعلاء شوشتری، مسعود غزنوی، منصور منطقی* و...، به عنوان مثال صاحب «ترجمان البلاغه» دو بیت از مثنوی خنگ‌بت و سرخ‌بت عنصری شاعر، نقل می‌کند که در نوع خود که این اثر عنصری در دسترس نیست، ارزشمند است.

همه نام کینشان به پرخاش مرد	دل جنگ‌جوی و بسیج نبرد
همی نوختند و همی تاختند	همی سوختند و همی ساختند

(رادویانی، ۱۳۶۲: ۸۶)

به جرأت می‌توان گفت «عنصری محبوب‌ترین چهره در ترجمان البلاغه است... رادویانی به شعر عنصری هشتاد بار استشهاد کرده است. پس از عنصری از شاعران زیر در ترجمان البلاغه شاهد مثال آمده است: منجیک ترمذی ۲۵ بار، رودکی سمرقندی ۱۸ بار، قمری جرجانی ۱۸ بار، فرّخی سیستانی ۱۳ بار، عبدالجبار زینبی ۱۰ بار» (غلامی، ۱۳۹۱: ۵۰).

«شاید بتوان گفت مهم‌ترین عمل تطبیقی رادویانی، یافتن شواهد فارسی برای صناعاتی است که در اصل برای زیباشناسی زبان دیگری طرح و بسط یافته است. بخش شواهد ترجمان البلاغه، حاصل کاوش و بررسی رادویانی در شعر فارسی است و اصالت تمام دارد» (سارلی و سعادت‌درخشان، ۱۳۸۹: ۱۸).

مهدی محبتی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل دیدگاه‌های ادبی رادویانی در ترجمان البلاغه» درباره ارزش و اهمیت کتاب «ترجمان البلاغه» می‌گوید: «رادویانی با نوشتن کتاب ترجمان البلاغه، هم نخستین سنگ بنای مباحث ادبی را به نثر گذاشت و هم مجموعه دیدگاه‌ها و اندیشه‌های رایج در حوزه مسائل زیباشناختی شعر از که غالباً به زبان عربی بود، وارد زبان فارسی و فرهنگ ایرانی کرد و تا حدودی آن مقوله‌ها را بومی ساخت» (رک محبتی، ۱۳۸۴: ۱). «هرچند بلاغت سنتی ما به دلایل تئوریک، پویایی لازم برای حرکت همگام با تحولات زمان را ندارد و از این رو، نارسایی آن در مواجهه با نظام‌های نوشتاری و تحلیل زیبایی‌های متون ادبی مختلف آشکار می‌شود. در زمان ما نارسایی دانش بلاغت در تحلیل زیبایی‌های سخن ادبی و به ویژه در رویارویی با نوشتار معناگرای معاصر بیش از هر زمان محسوس است» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۱) اما «اسلوب کهن این کتاب، زبان فارسی را در نخستین مراحل رشد و تکوین خود نشان می‌دهد و بهتر از هر اثری آشکار می‌کند که زبان فارسی چگونه حالت نوشتاری پیدا کرده است» (سبحانی و حاکمی، ۱۳۸۰: ۶۷).

«ترجمان البلاغه» از جهت نمایش شیوه تأثیر فرهنگ تازی بر دیدگاه‌های نقد ادبی اهمیت دارد و می‌تواند نماینده میزان و نوع تأثیری باشد که ایرانیان از فرهنگ ادبی عرب به ویژه فرهنگ بلاغی آن‌ها گرفته‌اند، و همان مایه تأثیر را مبنای فرهنگ‌سازی ادبی خویش ساخته‌اند. در واقع، «ترجمان البلاغه»، نخستین جلوه نقد ایرانی شده فرهنگ مسلمان است.

اساس دیدگاه رادویانی در «ترجمان البلاغه» اساسی ساخت‌گرایانه است. هرچند وی در موضعی از این دیدگاه عدول می‌کند و بر مبنای اصالت معنا به زیباشناسی شعر می‌پردازد. نمونه‌هایی از این گونه تحلیل را در صنایعی مانند ترجمه اخبار الکلام و فی الکلام الجامع می‌توان دید و هم در ضمن صنایع دیگری که در متن «ترجمان البلاغه» آمده است (رک محبتی، ۱۳۸۴: ۹-۴).

رادویانی در «ترجمان البلاغه» هرچند برخی از صنایع را با همان نام عربی بیان می‌کند، اما در اکثر موارد معادل فارسی، صنعت را ذکر کرده و اولین گام را در فارسی‌گردانیدن اصطلاحات علم بلاغت ولو به صورت ابتدایی برداشته است. از جمله در

مورد مقتضب گوید: پارسی وی «بازبُریده» است یا «گوهر به رشته کردن» را برای آرایه ترصیع، «آخشیج» را برای متضاد، «بازگردش» را برای عکس و «گردآوردن» را برای صنعت جمع ذکر می‌کند. می‌توان گفت «معادل‌سازی و وضع اصطلاحات فارسی به جای عربی، نخستین بار توسط صاحب ترجمان البلاغه صورت گرفت» (حاجی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۲۷).

رادویانی در عین رعایت انصاف به نقد و ارزیابی نیز می‌پردازد. می‌توان اولین مورد از نقد فنون بلاغی در بلاغت فارسی را در کتاب «ترجمان البلاغه» یافت. نویسنده به هنگام تعریف برخی از فنون ادبی، به بررسی جایگاه و شأن صنایع می‌پردازد و نقاط ضعف و قوت آن‌ها را بیان می‌دارد. «شاید بتوان رادویانی را نخستین منتقدی دانست که به مسأله ساخت در شعر توجه کرده است و از جهات خاص، آن را وا رسیده است. هرچند او در نهایت نتوانسته است بنیاد دیدگاهش به هنر را ساخت‌گرایانه سازد و از این منظر شعر را نقد و تحلیل کند و ترجمان البلاغه را هم بر همان اساس پی‌ریزی نماید» (محبّتی، ۱۳۸۴: ۸)، به عنوان مثال «از جمله اموری که نشان می‌دهد رادویانی به آرای نقدی در بلاغت عربی نیز آگاهی داشته، عقیده او درباره صنعت اغراق است. وی درباره این صنعت می‌گوید: اغراق، آن است که عقل آن را باور نکند، همچنان که گفته‌اند شیرین‌ترین شعر، کاذب‌ترین آن است. جمله اخیر یکی از جملات مشهور در کتب نقدی قدیم عربی است» (محمدی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۵۱). در خصوص مهارت نقّادی *رادویانی* می‌توان نمونه‌های دیگری را مثال زد. درباره صنعت ترصیع می‌گوید: «برای این فن در بلاغت جایگاهی رفیع است که هر ذهنی را یارای رسیدن به آن نیست» (رادویانی، ۱۳۶۲: ۸) یا درباره مدح موجه می‌گوید: «این فن را فُصحا و بُلغا از عجایب می‌دانند و آن را به لباس دو روی تشبیه می‌کنند» (همان: ۷۷). در پایان مبحث صنعت مقطع پس از شواهد می‌گوید: «مانند این بسیار گفته‌اند و لیکن بیش‌تر آن است که تکلف از وی رونق برده و شرط این ابواب آن است که هرچند سخن سهل‌تر و بی‌تکلف‌تر، نیکوتر، چنانکه به طبع مطیع گفته شود» (همان: ۱۱۱). گاهی نیز *رادویانی* شعر شاعران را از حیث بلاغت مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد مثلاً در بحث فن تقسیم معتقد است قبل از عنصری، کسی این فن را استفاده نکرده است، مگر اینکه از دایره ذوق و سلیقه هم خارج شده باشد و

استادی عنصری به چنین صنعت‌های بدیع پدید آمده است (رک رادویانی، ۱۳۶۲: ۶۸). همچنین در باب حسن التخلّص معتقد است عنصری تخلّص‌هایی دارد که با تخلّص‌های متنّبی مساوی است و می‌افزاید که کمالی نیز تخلّص‌هایی دارد که بر جمیع شعرای عرب و فارسی برتری دارد (همان: ۳۳). می‌توان گفت در کتاب «ترجمان البلاغه» ملاحظات انتقادی و داوری‌های مؤلف مشهود است (رک زرین کوب، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۰۵).

رادویانی در کتاب «ترجمان البلاغه» در برخی از موارد برای صنایع ادبی تعریف لغوی یا اصطلاحی ارائه نکرده و در این خصوص به ایجاز مغلّ روی آورده است. به عنوان مثال در معرفی تجاهل العارف می‌گوید: «و یکی از صناعت‌ها ناشناختن آوردنست. و عنصری را اندرین معنی طریقی روشنست و اندر قصیده‌های خویش از این نوع بسیار دارد» (همان: ۷۸ و ۷۹) یا در معرفی صنعت تفریق می‌گوید: «بدان که تفریق، جداگانه کم باید، و بیش‌تر تفریق که باید با جمع به یک جای بود، احکام وی اندر جمع و تفریق یاد کنیم.» (همان: ۶۶). صاحب «ترجمان البلاغه» در بیان صنایع ادبی به مسأله هم‌پوشانی و دسته‌بندی و نوع ارتباط صنایع با همدیگر بی‌تفاوت بوده است. به عنوان مثال در کتاب «ترجمان البلاغه» بین سیاقه‌الاعداد و تنسیق الصفات که هر دو از یک مقوله‌اند، یکی مربوط به اسم و دیگری مربوط به صفت، هشت صنعت فاصله افتاده است. «در ترجمان البلاغه نه تنها ۷۳ آرایه ادبی بدون هیچ قاعده و قانون به دنبال یکدیگر آمده است، بلکه رادویانی به تناسب‌های روشنی که میان برخی از صنایع وجود دارد، نیز بی‌توجه است. تناسباتی که در کنار یکدیگر آمدن آن، صنایع را به سادگی توجیه می‌کند، مثلاً مقتضب و مضارعه که باید ذیل جناس بیابند، جایی دیگر آمده و میان حُسن طلب یا حُسن مطالع، حُسن مخالص و حُسن مقاطع بیش از چهار صنعت فاصله افتاده است» (غلامی، ۱۳۹۱: ۴۶). رادویانی در برخی از موارد به پیروی از کتاب «محاسن الکلام» مرغینانی، نام صنعت ادبی را به همان شکل عربی آورده، مثلاً در نامگذاری صنایع «تأکید المدح بما یُشبه الذم» یا «حسن مقاطعه»، تأثیرپذیری رادویانی از مرغینانی مشهود است. در این خصوص مشابه و یکسان عمل کرده‌اند (رادویانی، ۱۳۶۲: ۸۹ و ۸۸ و مرغینانی، ۱۳۶۴: ۳۱ و ۳۲). رادویانی در «ترجمان البلاغه»، برخی از صنایع ادبی را که در روزگار معاصر از ارزش والایی برخوردارند، نظیر «ایهام» و «توریه» معرفی نکرده است. این مسأله می‌تواند

دلیلی باشد بر اینکه ذهن و زبان ساده‌نگار و ساده‌پسند شاعران نخستین دوره‌های شعر دری با ایهام چندان میانه‌ای نداشته و صاحب «ترجمان البلاغه» نیز به همین خاطر از طرح این صنعت و صنایعی امثال آن، چشم‌پوشی نموده است.

رادویانی بلاغت را با صناعت مترادف دانسته و فنون صنعت بدیع را از اجناس بلاغت شمرده است. هرچند وی گاهی صنعتی را به نام صنعت بدیع می‌نامد، اما ظاهراً در نظر او صنایع بدیعی با سایر اصطلاحات بلاغی تفاوت ندارند؛ به عنوان نمونه مقتضاب از دیدگاه این نویسنده از جمله بلاغت است (رک *رادویانی*، ۱۳۶۲: ۲۰).

آنگونه که از محتوای کتاب «ترجمان البلاغه» بر می‌آید، *رادویانی* هدف خود را از نگارش کتاب، بازگرداندن اجناس بلاغت از عربی به فارسی می‌داند و این رسالت را بدون ادعا به دوش می‌گیرد. خود در این زمینه می‌گوید: «گفتم که بدان قدر کی مرا فراز آید از این علم بدین کتاب جمع کنم و به تصنیف شافی بیاریم و اجناس بلاغت را از تازی به پارسی آرم» (*رادویانی*، ۱۳۶۲: ۹). کل کتاب «ترجمان البلاغه»، از عنوان کتاب تا انتهای آن، جز ترجمه آزادی از شیوه مسلمین به ادبیات و شعر چیز دیگری نیست، هرچند در لابه‌لای مباحث کتاب، رگه‌هایی از نگاه مستقل مؤلف را می‌توان دید که همین دید تازه مؤلف در نقد، «ترجمان البلاغه» را شاخص‌ترین اثر منشور زبان فارسی می‌سازد (رک *محبّتی*، ۱۳۸۴: ۵). *رادویانی* در بیان و معرفی برخی از فنون بلاغت، گاه به نقد و تحلیل زیبا با بیانی شاعرانه می‌پردازد، مثلاً در فصل *تجنیس* پس از معرفی، پیشنهاد می‌دهد که «آن صنعت و لفظ و معنی نغزتر بود و به گوش دل اندر آینده‌تر، آن که از عیب و تکلف خالی بود» (*رادویانی*، ۱۳۶۲: ۱۱). تحلیل سخنان *رادویانی* این نکته را به صراحت روشن می‌نماید که در نگاه او ارزش نهایی اثر ادبی در *گرو رعایت ساخت مستحکم* یا به تعبیر او *یک‌دستی و همواری* آن است. هر اثر ادبی که اجزایی همساخت و هماهنگ داشته باشد، قوی و گیراست و گرنه سست و بی‌هنراست (رک *محبّتی*، ۱۳۸۴: ۸). در پایان این مبحث می‌توان دیدگاه‌های *رادویانی* را در سه محور زیر خلاصه نمود:

نگرش تقلیل‌گرایانه: در این شیوه، ادبیات چیزی جز شعر و شعر هم چیزی جز بلاغت و بلاغت هم چیزی جز پاره‌ای از صنایع ادبی نیست. در واقع عنوان کتاب «ترجمان البلاغه» و نحوه ساخت و پرداخت فهرست‌ها و محتوای کتاب مبین همین دیدگاه مؤلف است.

نگرش مقلدانه: مبانی تحلیل صنایع در این کتاب برخاسته از ذهنیت و زاویه دید خود مؤلف نیست و او با تکیه بر توانایی‌های ذوقی و هنری خود به درک و تحلیل مسائل و موضوعات ادبی و هنری پرداخته است، بلکه چنانکه خود گوشزد می‌نماید، ساخت اصلی و محتوایی و موضوعات کتاب در اساس، زیر نگاه نظریه‌پردازان و مؤلفان عرب و ایرانیان عرب‌نویس به ویژه «محاسن الکلام» مرغینانی و «کتاب الزهرة»/بوداوود اصفهانی است. «هرچند رادویانی صراحتاً گفته است که مأخذ اصلی او محاسن الکلام نصر بن الحسن است و آن را الگوی خود قرار داده، اما در یک جا به کتاب زهرة محمد بن داوود اصفهانی و در جایی دیگر تعریف صنعت التفات را از کتاب ابن معتز موسوم به البديع نقل می‌کند» (شریعت، ۱۳۸۶: ۱۵۴). نگرش ناسازگارانه: مهم‌ترین رکن این پریشانی‌ها، تداخل حوزه‌های ساخت و صنایع از جهت موضوع، کارکرد و ساختمان آنهاست. چنانکه گاهی یک صنعت صرفاً از جهت ساختاری تعریف می‌شود، و در جای دیگر به نقش محتوایی آن توجه می‌شود و در جایی دیگر، اصلاً رنگ و بوی صنعت ندارد و یا شدیداً متداخل و نامرتبب آورده شده است. مثلاً استعاره در کنار التفات آمده است (رک محبتی، ۱۳۸۴: ۶۷).

به هر حال انگشت انتقاد همواره به سمت رادویانی دراز است که وی برخی از توضیحات خود را به دلیل شتاب‌زدگی و ایجاز، مبهم و گنگ آورده است به نحوی که بدون بررسی شواهد، نمی‌توان به راحتی به تعریف آن صنعت رسید. از سوی دیگر، همانطور که در فصل چهارم این رساله آشکار می‌گردد، رادویانی در ذکر برخی از امثله و شواهد دچار اِهمال و بی‌دقتی شده است به گونه‌ای که برخی از شاهد مثال‌های بیان شده با تعریف آن صنعت، سازگاری ندارند.

مرغینانی و رادویانی

به باور محمد فشارکی، «محاسن الکلام» حلقه اتصال کتاب‌های بلاغت عربی به قدیمی‌ترین کتاب بلاغت فارسی، «ترجمان البلاغه» است. بررسی بینامتنی و تطبیقی صنایع ادبی در این پژوهش، این گفته را تأیید می‌نماید. «بیش‌ترین دینی را که به گردن ترجمان البلاغه است باید نسبت به محاسن الکلام بدانیم. هرچند این پیوستگی و وابستگی گه‌گاه چونان جاده همواری برخی از ضعف‌های محاسن الکلام را به

ترجمان البلاغه رسانده است. از جمله آن که جای نقدهای بلاغی و تحلیل آرایه‌ها و پیرایه‌های شاعرانه را در ترجمان‌البلاغه خالی گذاشته و همچنین باعث شده گهگاه ذیل صنعت‌های مورد بحث، تعریفی کوتاه، گذرا و کم بنیه بیاید که نتواند خواننده ناآشنا به بلاغت را بی‌درنگ‌های مکرر و برانداز کردن شواهد، به مقصود دلالت کند. تعریف‌های رادویانی در این مورد، جز رمیدگی و رمندگی بهره‌ای در جلب و جذب مخاطب خویش ندارد» (غلامی، ۱۳۹۱: ۴۲). شاید دلیل مهم این ضعف روی آوردن نویسنده «ترجمان البلاغه» به ایجاز از گونه مخل است. با این وجود، هرچند مؤلف «ترجمان البلاغه» در ترتیب صنایع تا اندازه‌ای از روش مرغینانی بهره برده است، لیکن از خود در بیان صنایع تصرفاتی نموده و در ایراد تعاریف از صنایع، دقتی بیش‌تر از مؤلف «محاسن الکلام» ورزیده به گونه‌ای که نام برخی از صنایع در دو کتاب متفاوت است. رادویانی خود در این خصوص گفته است: «و عامّه باب‌های این کتاب بر ترتیب فصول محاسن الکلام که خواجه امام نصر بن الحسن نهاده است، تخریج کردم و از تفسیر وی مثال گرفتم» (رادویانی، ۱۳۶۲: ۳).

الف. وجوه تشابه محاسن الکلام و ترجمان البلاغه

هر دو اثر بلاغی، ماهیتی ساده و قابل فهم برای آموزش دارند. ترتیب فصول «ترجمان البلاغه» مطابق «محاسن الکلام» آغاز شده است. محتوای هر دو اثر آموزش بلاغت و صنایع شعری است. در پژوهشی بینامتنی که بین دو کتاب «ترجمان البلاغه» و «محاسن الکلام» انجام گرفت شباهت‌هایی ملاحظه شد که در زیر به نمونه‌هایی اشاره می‌شود. این شباهت‌ها به حدی است که گویا «ترجمان البلاغه» ترجمه‌ای از «محاسن الکلام» است. «قال نصر بن الحسن المرغینانی فی ترصیع مع التجنیس: «إذا اجتمع الترصیع والتجنیس فهو نهاية الحُسن فی نظم و نثر» (۱۳۶۴: ۴). محمد بن عمر الرادویانی گفته است: «هرچند که این صنعت ترصیع که یاد کردیم به تن خویش جای بدیع دارد و پایگهی رفیع، چون با وی عملی دیگر باز گردد، چون تجنیس یا مانند وی پرمایه‌تر بود» (۱۳۶۲: ۱۰).

قال نصر بن الحسن المرغینانی فی ترصیع: «من محاسن الکلام البديع ما سماه المحدثون الترصیع معنی الترصیع أن يأتي بكلام معتدل الاقسام. متفق النظام على الصيغه التي قسمناها والصنعة التي رسمناها» (۲:۱۳۶۴).

محمد بن عمر الرادویانی گفته است: «ترصیع آن است که دبیر یا شاعر اندر نظم یا نثر، بخش‌های سخن، خانه‌خانه آرند، چنانکه هر دو کلمه برابر بود و متفق به وزن و حرفی از اول وی همچون آخر بود» (۷:۱۳۶۲).

قال نصر بن الحسن المرغینانی فی سجع المطرف: «هو ما يزيد عدد حروف احدي الكلمتين على الاخرى ويلقب بالتسجيع المطرف» (۱۷:۱۳۶۴).

محمد بن عمر الرادویانی گفته است: «سجع مطرف آن است که یکی از دو کلمه به حروف زیادت ز آن دیگر باشد» (۱۳۶:۱۳۶۲).

قال نصر بن الحسن المرغینانی فی جناس الزايد: «من ذلك أن يأتي بكلمتين متفقي الحروف وفي آخر احدي الكلمتين زيادة الحروف» (۹:۱۳۶۴).

محمد بن عمر الرادویانی گفته است: «یکی از اقسام بلاغت آن است که دبیر یا شاعر هر دو لفظ به یکی معنی بیاورد و به آخر لفظ آخرین یک حرف زیادت کنند» (۱۴:۱۳۶۲).

قال نصر بن الحسن المرغینانی فی المطابقة: «وقيل في تفسيرها وجهان: أحدها أن يطابق بين الصدر والعجز والمطالع والمقاطع لفظاً وهذا هو رد العجز على الصدر بعينه والوجه الثاني ما قاله الخليل، قال: يقال طابقت بين الشئيين اذا اجتمعتا على حذو واحد» (۳۵:۱۳۶۴).

محمد بن عمر الرادویانی گفته است: «معنی مطابقه آن است که دو چیز به هم آرند، چون شاعر لفظی را به اول بیت یاد کند و باز همان لفظ را به آخر قافیه گرداند. آن را پارسی گویان مطابق خوانند، دبیران آن را رد الصدر علی العجز خوانند» (۲۷:۱۳۶۲).

ب. وجوه تفاوت محاسن الکلام و ترجمان البلاغه

کتاب «محاسن الکلام» در سرآغاز، نمایه‌ای از مطالب ندارد، در حالی که «ترجمان البلاغه» نمایه مدون دارد.

در هر فصل از «محاسن الکلام» مثال‌هایی از قرآن کریم، احادیث و به دنبال آن مثال‌هایی از شاعران معروف عرب آمده است، اما *رادویانی* مثال‌ها را با تلاش خود از زبان فارسی گرد آورده است.

تعداد صنایع در کتاب «محاسن الکلام» ۳۳ صنعت و در «ترجمان البلاغه» ۷۳ صنعت است، زیرا برخی از صنایع که در «محاسن الکلام» تحت یک نام آمده از «ترجمان البلاغه» تفکیک شده‌اند و هر یک صنعتی جدا نام گرفته‌اند. ثانیاً بعضی از صنایع در «محاسن الکلام» نیامده است مانند تجاهل العارف، ارسال المثل، تفسیر الخفی و الظاهر، ملمّع و... می‌توان گفت که «رادویانی فروتنانه می‌خواسته است بگوید که طرح کتاب را بر اساس طرح محاسن الکلام ریخته است و فروتنی او در این میان آشکار است، بر خلاف رشید و طواط که در حدائق السحر اغلب تعریف‌ها و اشعار را از ترجمان البلاغه گرفته، ولی نام و ارزش کتاب ترجمان البلاغه را انکار کرده است» (رک شریعت، ۱۳۸۶: ۱۵۸). صاحب «ترجمان البلاغه» نام برخی از صنایع از جمله الترصیح، الترصیح مع التجنیس، المضارعه، اعنات، استعاره، التشبیه، حُسن مطالع، حُسن مخالص، حُسن مقاطع، سیاقه الاعداد، الاغراق، التقسیم، تجاهل العارف، التفات، تأکید المدح بما یشبه الذم، اعتراض الکلام فی الکلام قبل التمام، الکنایة والتعریض والاسجاع را عیناً از کتاب «محاسن الکلام» مرغینانی برگرفته است. از سوی دیگر، *رادویانی* چهار نوع جناس را در کتاب خود با عناوین مطلق، مرکب، مردّد و زاید مطرح کرده، حال آنکه مرغینانی جز این چهار نوع، جناس ناقص را نیز اضافه کرده است.

«رادویانی همه جا فارسی فصیح و پاکیزه به کار برده است و وقتی قصد نوشتن دارد، حرف به حرف کلمات عربی را به فارسی تغییر می‌دهد، حتی به جای بسم‌الله به نام ایزد بخشاینده بخشایشگر می‌آورد» (شریعت، ۱۳۸۶: ۱۵۸).

ترتیب فصول و نام صنایع ادبی «ترجمان البلاغه» همیشه مانند «محاسن الکلام» نیست و با آن تفاوت دارد. «هرچند بین فصول کتاب محاسن الکلام و ترجمان البلاغه مشابهت فراوان وجود دارد، اما برخی از فصول این کتاب با ترجمان البلاغه اختلاف دارد، مثلاً در ترجمان البلاغه صنعت المقتضب آمده که همین صنعت در محاسن الکلام اشتقاق اللفظ من اللفظ نامیده شده است، همچنین صنعت مطابقه در محاسن الکلام در

حقیقت نام دو صنعت است یکی تضاد و دیگری ردّ الصدر علی العَجْز، در حالی که صاحب ترجمان البلاغه دو باب جداگانه در این مورد آورده است، یکی مطابقه در معنی ردّ الصدر علی العَجْز و دیگری متضاد در معنی ضدین» (فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۹۱). در «محاسن الکلام» طرح از پیش‌آماده‌ای وجود ندارد، ولی در «ترجمان البلاغه» طرحی منسجم وجود دارد.

نتیجه بحث

رادویانی ساختار اصلی کتاب خود را متناسب با «محاسن الکلام» مرتب کرده است. اما این بدین معنا نیست که در کار خود خلاقیتی نداشته است. تعداد آرایه‌ها به بیش از دو برابر افزایش داده است. برخی از آرایه‌ها مانند تشبیه را شاخه بندی کرده است و تقسیم‌بندی دقیق‌تری از کتاب «محاسن الکلام» ارائه داده است. با انتخاب شاهد مثال‌ها از زبان فارسی توانسته است دانش بلاغت را با ساختار زبان فارسی تطبیق دهد. اقتباس از کتاب «محاسن الکلام» چیزی از ارزش‌های ادبی و تاریخی کتاب «ترجمان البلاغه» کم نمی‌کند. رادویانی با آوردن نام برخی از شاعران گنجینه‌ای از ابیات شاعران را فراهم کرده است.

با تطبیق نکات بلاغی در آثار ادبی فارسی و عربی می‌توان به شناخت رموز سخن و زیبایی‌های ادبی کلام ملل مختلف پی برد و از دقایق و لطایف اشعار شاعران و متون برجسته ادبی بیش‌تر استفاده کرد. که از این رهگذر موارد ضعف و قوت آثار نویسندگان مشخص و بهترین شیوه انتخاب می‌شود تا کلام رسا و شیواتر شود.

کتابنامه

- رادویانی، محمّد بن عمر. ۱۳۶۲ش، **ترجمان البلاغه**، به تصحیح و اهتمام احمد آتش و انتقاد ملک الشعراى بهار، چاپ دوم، تهران: اساطیر.
- رادویانی، محمّد بن عمر. ۱۳۸۰ش، **ترجمان البلاغه**، به اهتمام احمد آتش و مقدمه و توضیحات توفیق سبحانی و اسماعیل حاکمی، چاپ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- رادویانی، محمّد بن عمر. ۱۳۸۶ش، **ترجمان البلاغه**، به اهتمام محمّدجواد شریعت، چاپ اول، اصفهان: دژ نپشت.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۹۲ش، **نقد ادبی**، چاپ دهم، تهران: امیرکبیر.
- فشارکی، محمد. ۱۳۹۵ش، **هیچ در هیچ (مجموعه مقالات)**، چاپ اول، اصفهان: مانا.
- مرغینانی، نصر بن الحسن. ۱۳۶۴ش، **محاسن الکلام فی المحاسن النظم و النثر**، به تصحیح محمّد فشارکی، چاپ اول، اصفهان: فرهنگسرا.

مقالات

- اسفندیار پور، هوشمند. ۱۳۸۸ش، «**بررسی تطبیقی بلاغت در عربی و فارسی**»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۱۰.
- جدید الاسلامی، حبیب الله و حمیده جمال زهی کمال آبادی. ۱۳۹۷ش، «**نقد زیباشناسی علم بدیع با رویکردی تطبیقی بر بلاغت عرب و پارسی**»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- حاجی پور، میثم. ۱۳۹۶ش، «**نقد تطبیقی مبانی نظری و ساختاری کتب بلاغت فارسی**»، آیینه میراث، دوره ۱۵، شماره ۶۱.
- سارلی، ناصرقلی و فاطمه سعادت درخشان. ۱۳۸۹ش، «**دوره‌بندی تاریخ دانش بلاغت فارسی**»، فصلنامه نقد ادبی، سال سوم، شماره دهم.
- سعادت درخشان، فاطمه. ۱۳۸۸ش، «**تقلید و نوآوری در کتب بلاغت فارسی (با تأکید بر صنایع بیانی)**»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- صادقی، شیرین و عفت نقابی. ۱۳۹۶ش، «**بررسی تطبیقی ترجمان البلاغه و محاسن الکلام**»، زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه خوارزمی)، سال بیست و پنجم، شماره ۲۷ (پیاپی ۸۲).
- علوی مقدم، محمد. ۱۳۵۷ش، «**بلاغت فارسی و تطوّر آن با پیشگفتاری از بلاغت عربی**»، جستارهای ادبی، شماره ۵۵.

- غلامی، مجاهد. ۱۳۹۱ش، «بررسی و تحلیل سیر تحولات علوم بلاغی در ایران از آغاز تا قاجاریه»، رساله دکتری دانشگاه اصفهان.
- فتوحی، محمود. ۱۳۸۶ش، «نگاهی انتقادی به مبانی نظری و روش‌های بلاغت سنتی»، ادب پژوهی، شماره سوم.
- محبّتی، مهدی. ۱۳۸۴ش، «بررسی و تحلیل انتقادی دیدگاه‌های ادبی رادویانی در ترجمان البلاغه»، دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، شماره چهارم.
- محمدی‌نژاد، مهدی. ۱۳۹۳ش، «شیوه‌های نقد و منابع آن در بلاغت فارسی»، فصلنامه علمی دانشگاه گلستان، سال اول، شماره مسلسل دوم.

Bibliography

- Radaviani, Mohammad ibn Umar. 1983, translated by Balagha, edited by Ahmad Atash and criticized by Malek osh-Sho'arā Bahār, second edition, Tehran: Asatir.
- Radaviani, Mohammad ibn Umar. 2001, translated by Balagha, by Ahmad Atash and introduction by Tawfiq Sobhani and Ismail Hakemi, first edition, Tehran: Association of Cultural Works and Honors.
- Radaviani, Mohammad ibn Umar. 2007, Tarjomaan Al-Balaghah, by Mohammad Javad Shariat, first edition, Isfahan: Dej Napasht.
- Zarrinkoob, Mohammad Hossein, 2013, Literary Criticism, Tenth Edition, Tehran: Amirkabir.
- Fesharaki, Mohammad 2016, (collection of articles), first edition, Isfahan: Maanaa
- Morghinani, Nasr bin Al-Hassan. 1985, Mahasana al-Kalam fi al-Mahasana al-Nazm va al-Nasr, edited by Mohammad Fesharaki, first edition, Isfahan: Farhang saraa.

Articles

- Esfandiar Pour, Hooshmand, 2009, "Comparative Study of Rhetoric in Arabic and Persian", Quarterly Journal of Comparative Literature Studies, Third Year, No. 10.
- Jadid al-Eslami, Habibullah and Hamideh Jamal Zehi Kamalabadi. 2018, "Critique of the Aesthetics of Modern Science with a Comparative Approach to Arabic and Persian Rhetoric", Quarterly Journal of Comparative Literature Studies, Year 12, No. 45.
- Haji Poor, Meisam, 2017, "Comparative Critique of Theoretical and Structural Foundations of Persian Rhetoric Books", Mirror of Heritage, Volume 15, No. 61.
- Sarley, Nasser Gholi and Fatemeh Saadat Derakhshan. 2010, "Periodization of the History of Persian Rhetoric", Literary Criticism Quarterly, third year, tenth issue.
- Sa'adat Derakhshan, Fatemeh. 2009, "Imitation and Innovation in Persian Rhetoric Books (with Emphasis on Expression Industries)", Master Thesis, Tehran Teacher Training University.
- Sadeqi, Shirin and Neqaabi Effat. 2017, "Comparative study of translators of rhetoric and the merits of theology", Persian language and literature (Kharazmi University), the twenty-fifth year, No. 27 (82).

- Alawi Moqaddam, Mohammad. 1978, "Persian rhetoric and its evolution with a preface to Arabic rhetoric", *Literary Research*, No. 55.
- Gholami, Mojahed, 2012, "Study and analysis of the evolution of rhetorical sciences in Iran from the beginning to the Qajar period", PhD thesis, University of Isfahan.
- Fotoohi, Mahmood, 2007, "A Critical Look at the Theoretical Foundations and Methods of Traditional Rhetoric", *Literary Research*, No. 3.
- Mohabbati, Mahdi. 2005, "A Critical Study and Analysis of Radviani Literary Views in *Tarjomaan Al-Balaghah*", *Bi-Quarterly Journal of Persian Language and Literature*, New Volume, No. 4.
- Mohammadinejad, Mahdi. 2014, "Critique methods and its sources in Persian rhetoric", *Golestan University Scientific Quarterly*, first year, second serial number.

Comparative Literature Studies, Fifteenth Year, No. 60, Winter 1400; pp.201-219

**A Research on Radviani's Views and the Relationship Between
Tarjoman Al-Balaghah and Mahaasen Al Kalaam**

Receiving Date: 31 March, 2020

Acceptance Date: 18 July, 2020

Reza Qasemi: PhD Candidate, Faculty of Persian Language & Literature, Islamic Azad University, Shahrekord Branch

Ghasemi.reza52@yahoo.com

Amir Hossein Hemmati: Associate Professor, Faculty of Persian Language & Literature, Islamic Azad University, Shahrekord Branch

Hemati.amir80@yahoo.com

Asghar Reza Pourian: Assistant Professor, Faculty of Persian Language & Literature, Islamic Azad University, Shahrekord Branch

Corresponding author: Amir Hosein Hemmati

Abstract

Literary nations are inevitably influenced by intellectual and cultural connections. One of the manifestations of influence in the field of Islamic culture is visible and remarkable in the field of rhetoric undoubtedly. Intertextual theory discusses the relationships and influence of texts; According to this theory, no text is self-reliant and is somehow related to its predecessors. The book "Tarjaman al-Balaghah" is one of the prominent works of Persian rhetoric, which has been proposed as the first rhetorical work and has remained till now according to the available evidence. This valuable work has a special place in Persian rhetoric and most rhetorical books have also been influenced by the mentioned book. Although the author is an expert and innovative in writing "Tarjman al-Balaghah", but it is a translation of the book "Mahasen al-Kalam" in terms of naming and most of the definitions. Radviani's research method in his book is more accurate than its original source and provides a list of arrays (devices) at the beginning of the book. The number of its devices is more than the number of them in "Mahasen al-Kalam". In translating the book, Radviani has tried to inspire the Persian language.

Keywords: rhetorical translator, merits of theology, intertextuality, rhetoric, Radviani.